

## زمینه‌های اجتماعی حسادت در تعاملات روزمره؛ مطالعه کیفی دانشجویان دانشگاه یزد

حسین افراسیابی، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، ایران\*

سید محسن سعیدی مدنی، دانشیار، گروه مردم‌شناسی دانشگاه یزد، ایران

کاوه شکوهی فر، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، ایران

### چکیده

حسادت به عنوان یکی از هیجانات انسانی، دارای پیامدهای مهمی در زندگی اجتماعی است. هدف این پژوهش بررسی زمینه‌های اجتماعی حسادت در تعاملات روزمره است. این تحقیق در رویکرد تفسیری-برساختی و با روش کیفی انجام شده و از روش نظریه داده بنیاد برای اجرای پژوهش و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نمونه‌گیری در دسترس برای گزینش افراد مورد مصاحبه و نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد پژوهش به کار گرفته شد. به منظور گردآوری داده‌ها، با ۴۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه یزد مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. بعد از انجام کدگذاری باز، محوری و گزینشی، ۸ مقوله اصلی و مدل پارادایمی ارائه شده است. مقوله‌های اصلی به دست آمده عبارت است از: مخاطره محرومیت، نابرابری، مادی‌گرایی، محتوای محرک رسانه، مقایسه اجتماعی، حسادت آموخته، ارزیابی عدالت و خصوصیات شخصیتی. مقوله هسته نهایی در این پژوهش، انگیزش اجتماعی حسادت است. این مقوله در قالب یک مدل پارادایمی شامل شرایط، تعاملات و پیامدها ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: حسادت، زندگی روزمره، اخلاق اجتماعی، دانشجویان، نظریه داده بنیاد.

## مقدمه و بیان مسأله

تمام کنش‌های انسانی دارای پیوست هیجانی است و تعاملات اجتماعی در بستری از هیجان شکل می‌گیرد. اگر هیجان را از زندگی بشر کنار بگذارند، شور زندگی باقی نخواهد ماند. در قرن‌های هفده و هیجده فیلسوفان غالباً تصور می‌کردند، هیجان یا عاطفه امری غریزی و غیر عقلانی است (پارسا، ۱۳۸۲: ۱۵۸). احساس در نگاه اول پدیده‌ای روان‌شناختی می‌نماید؛ اما روان‌شناختی‌ترین پدیده‌ها نیز می‌توانند تبیین جامعه‌شناختی بیابند (مقدس و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۴۳). احساسات به وسیله فرآیندهای اجتماعی و نیروهای اجتماعی، شکل می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت احساسات منعکس‌کننده هنجارها، نگرش‌ها، ارزش‌های گروه و همچنین افراد هستند (Clanton, 2006:410).

از نگاه جامعه‌شناختی می‌توانیم از احساساتی سخن گوئیم که اساساً بدون وجود ارتباط اجتماعی و کنش متقابل انسانی وجود خارجی نمی‌توان یافت (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۳۸). حسادت<sup>۱</sup> یکی از این احساسات است. گورنیه و روسو<sup>۲</sup> معتقدند: حسادت احساس منفی است که با دیدن امتیازی که نداریم یا آرزو داریم فقط ما داشته باشیم، به ما دست می‌دهد (گورنیه و روسو، ۱۳۸۴: ۱۳). حسادت در میان همه مردم از سنین و فرهنگ‌های مختلف فراگیر است و یک احساس جهانی است (Schoeck, 1969; Desteno et al., 2006). می‌توان گفت، حسادت یک واکنش ذهنی به وضعیت نامطلوب اجتماعی است که از مقایسه با مزایای دیگران در حوزه‌های ارتباط شخصی ساخته شده است (Salovey & Rodin, 1985; Smith, 2007 & Kim, 1991) و هر جا که مردم خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و احساس کنند که از آن‌ها کمترند حضور دارد (Van et al., 2009). حسادت ترکیبی از تجربه حالات روانی ناخوشایند است<sup>۳</sup> از جمله حقارت، بی‌عدالتی ذهنی و خشم<sup>۴</sup> که تمایل داریم از دیگران پنهان کنیم (Smith, 2007 & Kim, 1991). بر این اساس، این هیجان‌ات

منفی ممکن است انگیزه شماری از رفتارهای ضد اجتماعی همچون جرم و جنایت، به خطر انداختن منفعت شخصی برای کاهش دادن سود دیگران و خوشحالی که در پاسخ به شکست یا زیان دیگران ایجاد نماید (Smith et al., 1996; Thernstrom, 1998 & Zizzo & Oswald, 2001).

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که حسادت تأثیر قدرتمندی بر رفتار مخرب افراد دارد (Schoeck, 1969 & Smith & Kim, 2007). حسادت می‌تواند در سطح خرد به روابط آسیب برساند، کیفیت زندگی اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و رضایت از رابطه فرد را کاهش دهد (Bevan, 2008; Lavalley, 2005 & Parker, 2009 & Paeker et al., 2005). همچنین حسادت باعث می‌شود که روابط کاری تیره و تار گردد، تمایل به باقی ماندن در کنار همکاران موفق را از بین می‌برد و در نتیجه فرصت‌ها از دست می‌روند و ناکارآمدی در سازمان به وجود می‌آورد (Lim, 2013). منون و تامسون متوجه شدند که حسادت در سطح میانه می‌تواند اثرات منفی را در سراسر سازمان گسترش دهد (Menon & Thompson, 2010). برخی حتی از پیامدهای منفی حسادت در سطح کلان سخن گفته‌اند. به عنوان نمونه، میتسوپولاس<sup>۳</sup> دریافت که حسادت می‌تواند به اقتصاد ملی ضربه بزند. حسادت ممکن است دیکتاتورها و نخبگان برخی از کشورها را تحریک کند که از توسعه اقتصادی کشور جلوگیری کنند، نه تنها به خاطر این‌که می‌خواهند از درآمد خود دفاع کنند، بلکه به دلیل این‌که می‌خواهند موقعیت سلطه خود را حفظ نمایند (Mitsopoulos, 2009).

با وجود این‌که حسادت بدون ارتباط اجتماعی و کنش متقابل انسانی نمی‌تواند شکل بگیرد و اساساً یک احساس اجتماعی است و جامعه و فرهنگ نقش اساسی در تشدید آن دارد، تاکنون پاسخ دقیقی از منظر علم جامعه‌شناسی در مورد آن داده نشده است و با وجود مسائل مختلفی که در سطح جامعه به وجود می‌آورد تاکنون کم‌تر به آن به‌عنوان یک پدیده اجتماعی نگریسته شده است. این در حالی است که حسادت

<sup>1</sup> Jealousy

<sup>2</sup> Ghornie & Roso

<sup>3</sup> Mitsopoulos

یک عامل پنهان در به وجود آوردن مسائل اجتماعی است. یکی از مسائل مهمی که جهان معاصر با آن روبه‌رو است، مسأله اخلاق به ویژه اخلاق اجتماعی است (موحد و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۹). اخلاق اجتماعی در انواع مختلفی از احساسات انسانی بروز می‌کند (موسوی خامنه و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲)، احساساتی نظیر شرم، گناه، هم‌دردی، همدلی که اغلب احساسات اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند، احساساتی که برای جامعه دارای کارکردهای مثبت هستند. اما حسادت در جامعه به عنوان احساسی غیر اخلاقی در نظر گرفته می‌شود و افراد به دلیل اینکه حسادت از نظر هنجارها و ارزش‌های جامعه احساسی منفی تلقی می‌گردد و ابراز حسادت به‌طور آشکار و اعتراف به حسادت، سبب کاهش منزلت اشخاص می‌گردد، معمولاً آن را سرکوب و تکذیب می‌کنند و آن را از دیگران پنهان می‌کنند. همین مسأله، بررسی جامعه‌شناختی حسادت و مسائل آن را مشکل می‌کند. بررسی تجربه‌ها، ادراکات و تفسیرهای افراد در مورد حسادت کمک می‌کند که جنبه‌های مختلف آن، آثار نظام‌های اعتقادی، هنجاری و باورداشت‌های هر جامعه بر این عاطفه، پیامدها و مسائلی که در زندگی انسان‌ها به وجود می‌آورد، شناسایی شود. بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی جامعه‌شناختی حسادت به عنوان یکی از عواطف انسان که می‌تواند تأثیرات مخربی را در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان داشته است، میان دانشجویان به‌عنوان یکی از قشرهای مهم و آینده‌ساز کشور که جمعیت زیادی را نیز به خود اختصاص می‌دهند، با رویکرد تفسیری-برساختی و روش کیفی پرداخت.

### تحقیقات پیشین

جستجوی مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی حاکی از این است که در ایران تحقیق جامعه‌شناختی چندانی در زمینه حسادت صورت نگرفته است؛ به همین جهت در ادامه به برخی از تحقیقات خارجی مرور می‌شود. ویلکین و کونلی<sup>۱</sup> (2015) در پژوهشی با عنوان «حسادت و عصبانیت: تعدیل کننده‌های

<sup>2</sup> Lim & Yang

<sup>3</sup> Krasnova

<sup>4</sup> Steinbeis & Singer

<sup>1</sup> Wilkin & Connelly

بالتر بود و همچنین مسیحیان حسادت شناختی بیشتری از مسلمانان داشتند؛ در واقع نتایج این پژوهش نشانگر آن است که عوامل زیستی و بافت اجتماعی در حسادت اثر دارد. ون دیجک<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۶) پژوهشی را با عنوان «هنگامی که مردم از اوج سقوط می‌کنند: تجدید نظر در نقش حسادت در خوشحال شدن از بدبختی دیگران» به انجام رساندند. روش انجام این پژوهش پیمایشی و حجم نمونه شامل ۲۴۹ نفر است که به صورت تصادفی انتخاب شدند؛ نتایج نشان داد که حسادت، احساسات خصمانه و جنسیت، ۱۷ درصد از واریانس خوشحال شدن از بدبختی دیگران را تبیین می‌کنند؛ به علاوه جنسیت و خوشحال شدن از بدبختی دیگران، رابطه معناداری با یکدیگر داشتند.

در بررسی پیشینه پژوهشی حسادت مشاهده می‌شود که این پژوهش‌ها به طور عمده به روش پیمایش و آزمایش صورت پذیرفته است. این تحقیقات داده‌ها و اطلاعات قابل توجه و ارزنده در مورد حسادت ارائه داده‌اند و در این پژوهش از نتایج این تحقیقات و نظریه‌هایی که در ادامه می‌آید، به منظور تقویت حساسیت نظری محققان و همچنین مقایسه با نتایج پژوهش حاضر استفاده شد.

#### مبانی نظری

از دهه ۱۹۷۰ نظریات گوناگونی در حوزه جامعه‌شناسی احساسات ارائه شده است. اگر یک طیف نظری برای رویکردهای مختلف در جامعه‌شناسی احساسات تصور کنیم، نسخه‌های برساخت‌گرایی اجتماعی و اثبات‌گرایی دو سر این طیف را تشکیل می‌دهند و چندین نظریه مختلف در حد وسط جای می‌گیرند. نظریه‌هایی که بر بعد اجتماعی احساس و ماهیت ذهنی آن تأکید دارند (برای مثال، نظریه تعاملی، کنش متقابل نمادین، روش‌شناسی مردمی، پدیدارشناسی، نظریه نمایشی) به برساخت‌گرایی اجتماعی نزدیک هستند و نظریه‌هایی که بر ابعاد زیستی، جهان شمول و ماهیت عینی احساس تأکید دارند (نظریه ساختاری، تضاد، مبادله) به طرف

حسادت و لذت بردن از بدبختی دیگران با یکدیگر به شدت در ارتباط هستند. یافته‌های دیگر حاکی از آن است که با افزایش سن، بدخواهی، کینه‌ورزی و نابرابری‌گریزی افزایش می‌یابد. آترگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) تحقیق خود را با عنوان «حسادت و ارتباط نزدیک: بررسی ابعاد خوب (واکنشی) و بد (مشکوک) حسادت رمانتیک» انجام داد. روش انجام این تحقیق پیمایشی و حجم نمونه شامل ۲۲۹ نفر بود؛ یافته‌ها نشان داد که اشخاص حسادت را بیشتر به شریک عشق خود ابراز می‌کنند؛ همچنین مشخص شد که نزدیکی کلی و ابعاد نزدیکی رابطه معکوس با حسادت شناختی دارند. هریس و هنیگر<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) پژوهشی را با عنوان «حسادت، سیاست و سن» انجام دادند. این پژوهش با روش پیمایشی انجام شد و حجم نمونه شامل ۳۵۷ نفر است. نتایج نشان داد که حسادت و سن در حد متوسط باهم در ارتباط هستند. جوان‌ترها حسادت بیشتری را بروز می‌دادند. ایدئولوژی و رویکرد سیاسی و حسادت ارتباط بسیار ضعیفی باهم نشان داد. دل‌پریور<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۲) پژوهشی را با نام «حسادت: ویژگی‌های عملکردی و تمایز جنسیتی در طراحی ویژگی‌ها» انجام دادند. روش انجام این پژوهش از نوع اکتشافی و حجم نمونه ۲۱۵ نفر است؛ نتایج نشان داد که زنان به «جذابیت فیزیکی، عاشقانه و باکره‌گی» بیش از مردان حسادت دارند؛ در حالی که مردان بیشتر به (داشتن شریک عشقی، استعدادهای ورزشی و وضعیت مالی برتر) حسادت می‌ورزند. کروچر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۲) پژوهشی را با نام «حسادت در هند و ایالات متحده: تجزیه و تحلیل میان فرهنگی از سه بعد حسادت» انجام دادند؛ روش این تحقیق پیمایشی و حجم نمونه شامل ۱۱۱۱ نفر از مردم هند و ۱۰۸۷ نفر از مردم ایالات متحده بود. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در تمام ابعاد حسادت بین زنان و مردان وجود دارد. دین به عنوان یک پیش‌بینی کننده قوی برای حسادت شناخته شد؛ حسادت شناختی و عاطفی هندوها

<sup>1</sup> Attridge

<sup>2</sup> Harris & Henniger

<sup>3</sup> DelPriore

<sup>4</sup> Croucher

<sup>5</sup> van Dijk

اثبات‌گرایی گرایش دارند (کیانپور، ۱۳۹۱: ۲۶).

این تحقیق در چارچوب رویکرد تفسیری-برساختی انجام شده است. بر اساس مبانی هستی‌شناختی این رویکرد، واقعیت آفریده انسان‌هاست و مستقل از فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها وجود ندارد. واقعیت اجتماعی به منزله محصول فرایندهایی در نظر گرفته می‌شود که از طریق آن‌ها کنشگران اجتماعی همراه با یکدیگر به مذاکره و توافق درباره معنای کنش‌ها و موقعیت‌ها نائل می‌شوند؛ برخلاف واقعیت فیزیکی که باید توسط دانشمند تفسیر شود، واقعیت اجتماعی پیش تفسیر شده است؛ این واقعیت پیش از آن‌که دانشمندان اجتماعی کار تفسیر خود را آغاز کنند، مورد تفسیر قرار گرفته است (بلیکی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۴).

برای تبیین و تفسیر حسادت ابتدا باید دانست، حسادت چیست؟ حسادت نسبت به چیزهای مطلوبی است که شخص ندارد. خصومت نسبت به مافوق و احساس منفی نسبت به کسی که بهتر از فرد است (Scheler, 1961 & Schoeck, 1969). به عبارت دیگر حسادت نسبت به کسی است که دارای برخی اشیاء و ویژگی‌های با کیفیت و مطلوب است که شخص ندارد و نمی‌تواند به دست آورد. هرگونه کیفیت و دستاوردی که باعث تحسین است، به احتمال زیاد به تحریک حسادت منجر می‌شود. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از: ثروت، جایگاه طبقاتی، قدرت، شهرت، منزلت، استعداد، سلامتی، نمرات خوب، چهره خوب و محبوبیت (Clanton, 2006:412). حسادت فقط آرزوی به دست آوردن شی یا مزیتی که حسادت را تحریک می‌کند نیست، بلکه آرزویی بسیار تیره است که از دست دادن شی یا مزیت کسی که دارای آن‌هاست را می‌خواهد. حسادت لذتی مخرب است، شادی‌های مخرب است که از مواجهه با شکست یا رنج کسی که مافوق فرد است حاصل می‌شود (Foster, 1972).

همچنین حسادت از تقلید<sup>۱</sup> متفاوت است. در گفتار روزمره می‌توانیم بگوییم که حسادت چیز خوبی است، زیرا به مردم انگیزه می‌دهد، برای داشتن آنچه موجب حسادت

آنان به دیگران شده است، سخت‌تر تلاش کنند. به جای حسادت به صاحب یک خودرو خوب، ما باید از او تقلید کنیم. این احتمالاً به آن معنی است که ما باید به سختی کار کنیم، مقدار زیادی پول پس‌انداز کنیم و چنین خودرویی را برای خودمان خریداری نماییم. اخلاق سرمایه‌داری ما را تشویق می‌کند، حسادت‌مان را به تقلید تبدیل نماییم، در نتیجه کاهش خطر آن حسود فقیر درخواست توزیع مجدد ثروت و مزایا را مطالبه می‌نماید. چون حسادت بسیار برانگیزاننده تفاوت‌هاست، نمی‌تواند به وسیله تقلید از بین برود، این نظرها حقیقت ندارد. اندکی حسادت می‌تواند به تقلید تبدیل شود در صورتی که افزایش سودمندی در دسترس است، اما مقدار زیادی حسادت در نتیجه تحمل نابرابری است که نمی‌توان از طریق تلاش زیاد آن را کاهش داد (Clanton, 2006:426).

یکی از جامعه‌شناسان برجسته رهیافت ساختمان‌داری اجتماعی در جامعه‌شناسی احساسات آرلی هوشیلد<sup>۲</sup> است. هوشیلد با استفاده از مدیریت عاطفه<sup>۳</sup> توانسته رابطه‌ای بین تجربه عاطفی، قواعد احساسی<sup>۴</sup> و ایدئولوژی را بررسی کند. آن گونه که وی توضیح می‌دهد قواعد احساسی جنبه‌ای از ایدئولوژی است که با عواطف سروکار دارد، ملاک‌هایی است که «آنچه در جریان احساس به درستی تصدیق شده یا تصدیق می‌شود» را تعیین و مشخص می‌سازد. در مقابل مدیریت عاطفه عمل لازم برای کنار آمدن با این قواعد احساسی است. از این نظر اعمالی که بر اساس مدیریت عاطفه صورت می‌گیرد صرفاً اعمالی شخصی نیست بلکه اعمالی است که تحت «هدایت» قواعد احساسی همگانی در تبادلات، مورد استفاده قرار می‌گیرد. قواعد احساسی در واقع، به اعمال مبتنی بر مدیریت عاطفه «الگویی اجتماعی» می‌دهد: الگوهایی که می‌تواند کم و بیش، بر حسب توزیع قدرت و اقتدار در جامعه‌ای خاص، شکلی یکسان و مشابه داشته است (ویلیامز، ۱۳۹۲: ۳۶۸-۳۶۷).

<sup>2</sup> ArlieHochschild

<sup>3</sup> Emotion Managment

<sup>4</sup> Feeling rules

<sup>1</sup> EMULATION

شود. از آن جا که مقایسه با دیگران اجتناب ناپذیر است، حسادت یک احساس جهان شمول است. در هر جامعه حسادت یک پاسخ ممکن در یک طیف گسترده از تعاملات اجتماعی بین و درون افراد و گروه‌ها که در موقعیت نابرابر وضعیت، ثروت، قدرت، شهرت، موفقیت، سلامت، استعداد، نمرات، شهرت و محبوبیت است. حسادت تقریباً به طور بالقوه در تمام تعاملات انسانی وجود دارد (Clanton, 2006:428).

در زندگی واقعی افراد در برخی از زمینه‌ها برتر و در برخی زمینه‌های دیگر پایین‌تر از دیگران قرار دارند. اما به طور کلی افراد در زمینه‌هایی حسادت می‌ورزند که پایین‌تر از دیگران قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، افراد جوان ممکن است به افراد مسن دارای ثروت و قدرت به دلیل ثروت و قدرت آن‌ها حسادت کنند، اما افراد مسن ممکن است به افراد جوان بدلیل سلامتی آن‌ها حسادت ورزند. جوانان بیکاری که وقت خودشان را به ماهیگیری اختصاص می‌دهند، به ثروت یک رئیس بانک حسادت می‌نمایند، اما رئیس بانک به دلیل آزادی وقت جوانان که برای خود به ماهیگیری رفته‌اند حسادت می‌کند (Clanton, 2006:425).

سالوی و همکارانش (Salovey & Rodin, 1985; Salovey & Alexander, 1991)، استدلال کرده‌اند که حسادت به احتمال زیاد زمانی بیشتر احساس می‌شود که مقایسه آن حوزه برای خودمان مهم است. ما فقط در مورد عملکرد خوبمان در مورد رابطه با تعداد محدودی از حوزه‌های زندگی مراقب هستیم. این فرضیه «ارتباط دامنه» بر آن است که احتمالاً حسادت زمانی تجربه می‌شود که مقایسه با فرد دیگر برای خود منفی است و این مقایسه در دامنه‌ای قرار دارد که به ویژه در تعریف خود مهم تلقی شده است.

#### روش تحقیق

این پژوهش در رویکرد کیفی و با استفاده از راهبرد نظریه داده بنیاد<sup>۲</sup> اجرا شده است. در این روش، گردآوری داده‌ها،

مثال‌های متعدد روزانه از این‌که انسان چگونه باید در یک موقعیت از خود ابراز احساسات کند، حکایت از وجود قواعدی دارد که بر نحوه مدیریت احساسات ما تأثیر می‌گذارد. همچنین با توجه به این‌که دیگران چگونه احساسات ما را استنباط می‌کنند و بر آن واکنش نشان می‌دهند، می‌توان به وجود این قواعد پی برد. برای مثال، یک قاعده احساسی می‌تواند بگوید که: «تو نباید این قدر احساس گناه کنی، تقصیر تو نبود» و یا «تو حق نداری نسبت به موقعیت فلانی حسادت کنی» (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۵۲). همچنین قواعد احساسات در مورد حسادت می‌تواند بگوید که افراد در چه موقعیت‌هایی باید حسادت کنند.

گوردون کلیتون معتقد است تجربه خصوصی در مورد حسادت به باورها و ارزش‌های اجتماعی مربوط به ثروت، منزلت و قدرت و این‌که چگونه باید این پدیده‌ها توزیع شود بستگی دارد. حسادت در مورد عدالت و بی‌عدالتی است (Clanton, 2006:411). عدالت و احساسات با هم هم‌پوشانی دارند، برای هر مرحله یک فرآیند عدالت، احساس عدالت محرک هیجان است. بنابراین فهمیدن عملکرد احساس عدالت و تمایل خاص محرک آن برای فهمیدن پروژه احساسات انسان مهم است (Jasso, 2006:321). از این رو بررسی نقشی که عدالت و احساس که افراد از عدالت دارند، بر روی برانگیختگی حسادت آنان دارد، برای شناخت عملکرد حسادت و نحوه مدیریت آن ضروری است.

لازاروس<sup>۱</sup> (1991) ادعا کرد که مقایسه اجتماعی نه تنها به پاسخ‌های رفتاری منجر می‌شود، بلکه با احساسات نیز مرتبط است. او حسادت را به عنوان نمونه‌ای از احساساتی که به وسیله مقایسه اجتماعی برانگیخته می‌شود معرفی می‌نماید. از نظر او حسادت اغلب هنگامی که دیگران دستاوردهای برتر و یا اموال مطلوب را در اختیار دارند، رخ می‌دهد. کلیتون نیز معتقد است، ریشه حسادت در مقایسه است: برای حسادت کردن، باید نخست خود را با فرد یا افرادی که نسبت به ما در برخی از زمینه‌ها که مهم است، برتری دارند، در نظر گرفته

<sup>2</sup> Grounded Theory

<sup>1</sup> Lazarus

گزینشی<sup>۲</sup>.

قابلیت اعتماد: لینکلن و گوبا<sup>۴</sup> (1985) با مطرح کردن مفهوم قابلیت اعتماد برای ارزیابی پژوهش کیفی، چهار معیار اعتبار پذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأیید پذیری را به‌عنوان جایگزین‌هایی برای معیارهای کلاسیک اعتبار و پایایی ارائه کرده‌اند. این ملاک‌ها امروزه در اغلب پژوهش‌های کیفی به‌جای دو ملاک اعتبار و پایایی مورد استناد قرار می‌گیرند (حریری، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۴). در این تحقیق نیز برای ارزیابی قابلیت اعتماد پژوهش از ملاک‌های مطرح شده استفاده شده است. برای دستیابی به معیار اعتبار‌پذیری، از سه تکنیک استفاده گردید. نخست اعتباریابی توسط اعضا که از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی مطالعه را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند. روش دوم، مقایسه تحلیلی است، در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد. در روش سوم از بازرسی خارجی، توسط اساتید راهنما به وسیله نظارت بر تمام مراحل پژوهش، استفاده شد. به منظور برآورده کردن معیار انتقال‌پذیری، سعی شد که زمینه پژوهش به‌طور کامل توصیف شود و شرایط پژوهش و جزئیات کامل در مورد نکات اساسی آن ارائه گردد. برای حاصل شدن معیار قابل اطمینان بودن در تحقیق حاضر، مصاحبه‌های ضبط و تایپ گردیده، فهرست مصاحبه‌شوندگان تهیه شده و کلیه فرایندها تحلیل داده‌ها تایپ و در رایانه و فلش مموری ذخیره شده است و در صورت لزوم در اختیار بازرسان قرار خواهد گرفت. برای دستیابی به معیار تأیید پذیری، نتایج تحلیل‌ها و نظریه به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها با داده‌های خام مقایسه گردید تا همخوانی نتایج با داده‌ها تأیید شود. همچنین نتایج تحلیل داده‌ها از طریق تبادل نظر با اساتید راهنما و برخی از دانشجویان هم رشته نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ قرار دارد. نظریه‌های داده بنیاد به سبب آن که از دل داده‌ها بیرون کشیده می‌شوند، بیشتر می‌توانند بصیرت افزا هستند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل شوند (استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۳۴). جامعه مورد مطالعه این پژوهش، دانشجویان دانشگاه سراسری یزد در سال ۹۲-۹۳ است. در این پژوهش با ۴۰ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف این دانشگاه، از جنسیت‌ها، سنین و قومیت‌های متفاوت (جدول ۱) مصاحبه شد. برای دستیابی به نمونه مناسب تحقیق، از دو شیوه نمونه‌گیری در دسترس و نمونه‌گیری نظری استفاده شد. از نمونه‌گیری در دسترس برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شد. مصاحبه‌شوندگان از میان دانشکده‌های مختلف و دانشجویانی با ویژگی‌های متفاوت (از لحاظ جنسیت، سن، وضعیت تحصیلی، قومیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) نمونه‌گیری شدند تا حداکثر تنوع را داشته باشند. نمونه‌گیری نظری نیز تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در این بررسی محقق گرچه با مصاحبه با ۳۵ نفر از مصاحبه‌شونده‌ها به اشباع نظری کافی دست‌یافت، اما برای دستیابی به اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها را تا ۴۰ نفر ادامه دادیم. از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد که با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط می‌شد. مصاحبه‌ها بسته به علاقه و کیفیت پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان هرکدام بین ۳۴ دقیقه تا ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه به طول انجامید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری نظری استفاده شد. کدگذاری فرایندی است تحلیلی که طی آن داده‌ها تفکیک، مفهوم‌بندی و یکپارچه می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که بتوانند نظریه نهایی را شکل دهند. در فرایند کدگذاری، واحد تحلیل «مفهوم» است (Corbin & Strauss, 1998; Neuman, 2006). در این نوع کدگذاری که خاص داده‌های متنی و کیفی است، سه شیوه کدگذاری مطرح است: ۱. کدگذاری باز<sup>۱</sup>، ۲. کدگذاری محوری<sup>۲</sup>، ۳. کدگذاری

<sup>2</sup> Axial Coding<sup>3</sup> Selective Coding<sup>4</sup> Lincoln and Guba<sup>1</sup> Open Coding

## یافته‌ها

جدول ۱ ارائه شده است، بعد از آن به بررسی رابطه بین جنسیت و حسادت از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در بخش مجزایی با عنوان کلیشه‌های جنسیتی مرتبط با حسادت پرداخته شده و در انتها مقوله‌های عمده پژوهش شامل، محتوای محرک رسانه، حسادت آموخته، نابرابری، خصوصیات شخصیتی، ارزیابی عدالت، مادی‌گرایی، مقایسه اجتماعی و مخاطره محرومیت تشریح می‌گردد.

ابتدا کدگذاری باز در دو مرحله صورت پذیرفت، در مرحله اول مفاهیم و در مرحله دوم مقوله‌های عمده پژوهش به دست آمد. بعد از پایان یافتن کدگذاری باز، کدگذاری محوری انجام شد. در این مرحله مقوله‌ها در قالب فرآیند شرایط، تعاملات و پیامدها طبقه‌بندی شدند. در مرحله آخر کدگذاری گزینشی به منظور تعیین مقوله هسته انجام شد. در ادامه ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	جنس	رشته تحصیلی	مقطع تحصیلی	محل زندگی	ردیف	سن	جنس	رشته تحصیلی	مقطع تحصیلی	محل زندگی
۱	۲۵	مرد	زمین‌شناسی	ارشد	اصفهان	۲۱	۲۵	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	خوزستان
۲	۲۵	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	خوزستان	۲۲	۲۹	زن	مدیریت صنعتی	ارشد	اصفهان
۳	۲۴	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	یزد	۲۳	۲۵	مرد	جامعه‌شناسی	ارشد	اصفهان
۴	۱۹	مرد	نساجی	کارشناسی	یاسوج	۲۴	۲۷	مرد	ادبیات	ارشد	شیراز
۵	۲۴	مرد	جامعه‌شناسی	ارشد	مرکزی	۲۵	۲۷	مرد	جامعه‌شناسی	ارشد	شیراز
۶	۲۷	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	کرمان	۲۶	۲۴	مرد	ادبیات	ارشد	فارس
۷	۲۳	زن	مردم‌شناسی	کارشناسی	اصفهان	۲۷	۲۷	مرد	جمعیت‌شناسی	ارشد	یاسوج
۸	۲۴	زن	مکانیک	ارشد	شیراز	۲۸	۲۲	زن	مدیریت بازرگانی	کارشناسی	اصفهان
۹	۲۵	زن	شیمی - فیزیک	ارشد	شیراز	۲۹	۲۳	مرد	ادبیات	ارشد	شیراز
۱۰	۲۴	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	کاشان	۳۰	۲۶	زن	ادبیات	ارشد	شیراز
۱۱	۲۷	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	اردبیل	۳۱	۲۲	مرد	زمین‌شناسی	کارشناسی	یاسوج
۱۲	۲۵	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	تبریز	۳۲	۲۰	مرد	زمین‌شناسی	کارشناسی	سنندج
۱۳	۲۵	زن	آبخیزداری	ارشد	کازرون	۳۳	۲۵	مرد	ادبیات	ارشد	یزد
۱۴	۲۲	مرد	ادبیات	کارشناسی	بوشهر	۳۴	۲۰	زن	مدیریت صنعتی	کارشناسی	یزد
۱۵	۲۷	زن	ریاضی مالی	ارشد	اصفهان	۳۵	۲۰	مرد	مدیریت صنعتی	کارشناسی	خراسان
۱۶	۲۶	زن	ریاضی مالی	ارشد	شیراز	۳۶	۲۴	مرد	جامعه‌شناسی	ارشد	خوزستان
۱۷	۲۶	زن	جامعه‌شناسی	ارشد	مشهد	۳۷	۲۰	مرد	مدیریت صنعتی	کارشناسی	اصفهان
۱۸	۲۵	زن	متالورژی	ارشد	شیراز	۳۸	۲۲	مرد	جامعه‌شناسی	ارشد	زاهدان
۱۹	۲۳	مرد	جامعه‌شناسی	ارشد	لرستان	۳۹	۲۴	مرد	علوم سیاسی	ارشد	بوشهر
۲۰	۲۵	زن	اقتصاد	ارشد	ایلام	۴۰	۲۵	مرد	جامعه‌شناسی	ارشد	لرستان

## کلیشه جنسیتی حسادت

زیادی در میان افراد برخوردار است. به طوری که شکل‌گیری این کلیشه در ذهن برخی از دانشجویان سبب ایجاد بی‌اعتمادی به زنان و در نتیجه ایجاد رفتار سوگیرانه نسبت به آنان شده است:

«... شک نکن زن‌ها با حسادت تموم میشن. کسی

این مقوله بیان‌گر وجود کلیشه‌ای رایج در میان دانشجویان است که حسادت را امری زنانه می‌دانند. در واقع باور اکثریت آنان این است که زنان به نسبت مردان در زندگی خود حسادت را بیشتر تجربه می‌کنند؛ این کلیشه جنسیتی از قوت



### محتوای محرک رسانه

رسانه یکی از عوامل اجتماعی محرک حسادت در جامعه امروزی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به حسادت دامن می‌زند. در این میان، تلویزیون و ماهواره، مهم‌ترین رسانه‌هایی که مصاحبه‌شوندگان به آن‌ها اشاره کردند. تبلیغات تجاری با برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی محصولات خود برخوردار از آن‌ها را برای افراد به امتیازی بدل می‌کنند که به صاحب آن احساس برتری بر دیگران را القا می‌نماید و کسانی که توانایی برخوردار از آن‌ها را ندارند خود را در موقعیت پایین‌تری می‌یابند و دچار احساس محرومیت می‌گردند. مشارکت‌کنندگان بر این باورند که رسانه‌ها به خصوص تلویزیون و ماهواره عامل ترویج و اشاعه حسادت در سطح جامعه‌اند:

«... رسانه‌ها و تبلیغات تو حسادت نقش دارن، دو بخشه تبلیغات اقتصادی بیشتر. طرف که تلویزیون و روشن میکنه بازار ... و انواع چیزا تو تبلیغ هست، دومیش فیلما، مثلاً فیلمای ترکی ماهواره محور همشون حسادته نه خیانت...» (مصاحبه شماره ۵)

«... این تبلیغ رو که دیدم که دو سه تا خانم بودن دورهم بودن بچه‌های اون خیلی بلد بودن بچه یکیشون بلد نبود بچه حسودیش شد نسبت به اون یکی رفت به مادرش گفت و مادره رفت خرید تبلیغات و بزرگنمایی‌ها باعث تشدید حسادت میشه...» (مصاحبه شماره ۲۷).

چنان‌که از اظهارات مشارکت‌کنندگان بر می‌آید، رسانه‌ها زمینه مقایسه اجتماعی را در سطوح مختلف طبقاتی، جنسیتی، قومیتی و حتی ملی، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی فراهم می‌آورند. طوری‌که فقط کافی است، فرد یک تلویزیون معمولی در اختیار داشته است تا بتواند وضعیت خود را با تمامی جهان مقایسه نماید؛ یعنی کسی که در محروم‌ترین نقطه کشور سکونت دارد، به وسیله یک دستگاه تلویزیون معمولی می‌تواند شرایط زندگی خود را با کسی که در مرفه‌ترین نقطه دنیا سکونت دارد مقایسه کند و ضمن بالا

که جنس زن بشناسه اولین ویژگی‌ای که تو ذهنش میاد حسادته، حتی اگه به منافعشون لطمه بخوره حتی به مادرشون و خواهرشون هم حسادت می‌کنن. این قدر می‌تونه شدید باشه...» (مصاحبه ۳۸)

اگرچه حسادت در جامعه امری زنانه تلقی می‌شود، اما حسادت در دو جنس مشاهده می‌شود و مردان نیز حسادت‌های خاص خود را دارند. در واقع حسادت احساسی همگانی است و تفاوتی بین میزان حسادت افراد در جنسیت‌ها، نژادها، قومیت‌ها و ملت‌های متفاوت وجود ندارد. هر چند که ممکن است به دلیل قرارگرفتن در زمینه‌های اجتماعی مختلف، تفاوت در زمینه‌هایی که افراد حسادت می‌ورزند وجود داشته است:

«... به نظرم بستگی داره، توی خانم‌ها بخوای نگاه کنی تو زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، زندگی معمولی، تو شرایط عادی زندگی به هم حسادت می‌کنن تو لباس پوشیدن خانمی که شوهر داره با خواهرش حتی تو لباس پوشیدن حسادت می‌کنه، مردا اگه تو مقام قیاس قرار بگیرن تو شرایط مختلف حسادت می‌کنن...» (مصاحبه شماره ۲۵)

اگر هم‌زمانی حسادت در میان گروهی بیشتر مشاهده شود، به دلیل محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و تبعیض‌هایی است که علیه این گروه صورت پذیرفته است، نه به دلیل ویژگی ذاتی که این گروه دارد:

«... زن‌ها حسود ترن. مردا حق انتخاب دارن، ولی زن حق انتخاب نداره...» (مصاحبه شماره ۴۰)

«... کلاً من حسودم، تو بچگی‌م حسود بودم. به داداشم حسادت می‌کردم. تقصیر خانواده مادرم بود اونا خیلی پسر دوست داشتن و همش به اون توجه می‌کردن و اصلاً منو نمی‌دیدن، منم همش کاری می‌کردم که جلب توجه کنم، چیزیم نمی‌شد به من توجه نمی‌کردن و منم خیلی حسرت می‌خوردم...» (مصاحبه شماره ۸)

رفتن سطح توقعات، مدام با این چالش روبه‌رو است که چرا او از این امتیازات برخوردار نیست. بدین ترتیب تلویزیون با ایجاد زمینه «مقایسه صعودی» موجب تحریک احساس محرومیت افراد و در نتیجه تحریک حسادت می‌گردد:

«...تلویزیون به چیزایی رو ترویج میده و بهشون ارزش میده که وقتی اون چیزا رو نداری و می‌بینی که دیگران دارن، باعث حسادت میشه مثلاً همون مادی‌گرایی که دارن ترویج میدن تفاوت‌های طبقاتی که وجود داره باعث میشه که تو اون موقعیت رو نداری حسادتت بیشتر میشه...» (مصاحبه شماره ۲۱)

«... شاید تبلیغات و اینا یا مثلاً فیلما و اتفاقی که فرد براش پیش میاد باعث بشه که به سری حسادتا براش پیش بیاد یعنی مثلاً اولش آگه رسانه‌ها نبودن فرد از خیلی چیزا آگاهی نداشت. ولی این رسانه‌ها می‌تونن باعث شن که فرد انتظارش بره بالا و به یکسری چیزا حسادت داشته باشه...» (مصاحبه شماره ۶).

### مادی‌گرایی

از دید دانشجویان ارزش انسان‌ها در عصر حاضر به میزان برخوردار بودن آن‌ها از امتیازات مادی بستگی دارد. به طوری که محرومیت از مالکیت این امتیازات در مقایسه با دیگران سبب به وجود آمدن احساس حقارت در فرد می‌شود. دانشجویان به مدگرایی و تجمل‌گرایی به‌عنوان عوامل تحریک‌کننده حسادت در جامعه امروز اشاره کردند. به عنوان مثال اگر برای فرد تبعیت از مد به عنوان یک ارزش تلقی شود در صورتی که توانایی برخوردار بودن از آن مد را نداشته است، نسبت به افراد برخوردار از مد حسادت می‌ورزد:

«... مد هم روی حسادت تأثیر داره، باید وضع مالی خوب باشه که بتونی از مد پیروی کنی وقتی که مد به چیز مهم میشه تو جامعه و بروز بودن مهم میشه همه افراد که نمی‌تونن مثل اونا باشن بعد اون افرادی که نمی‌تونن این موقعیت‌ها رو به دست

بیارن و نمی‌تونن پیروی کنن از مد چون مد الآن به ارزش شد و وقتی که دوستاتو می‌بینی که می‌تونن از مد پیروی می‌کنن و توانشو دارن این که حسادت رو تشدید می‌کنه تأثیر خودشو داره...» (مصاحبه شماره ۳۱)

«... تجمل‌گرایی روز بروز داره بدتر میشه؛ هرچی بیشتر میشه حسادت بیشتر میشه...» (مصاحبه شماره ۲۲)

«... همین که الآن هرکی یک ماشین مدل بالا دارد همه فکر می‌کنن این چه زندگی خوبی دارد، دو تا کارخانه داره و وضعش خوبه، همه چیز شده مادبات...» (مصاحبه شماره ۷)

### نابرابری

اغلب دانشجویانی که با آن‌ها مصاحبه شد، به فاصله طبقاتی اشاره کردند. این تأثیر زمانی بیشتر می‌شود که فاصله بین طبقات مختلف زیاد است. در چنین شرایطی است که فرد دائم خود را با طبقات بالاتر مقایسه می‌کند و دچار احساس محرومیت گشته، حسادتش نسبت به طبقات بالاتر برانگیخته شود و مرتب از خود بپرسد که چرا من نباید از امتیازات آن‌ها برخوردار باشم:

«... مثلاً تو جامعه فاصله طبقات باهم زیاد باشه شاید فرض کن تو به جامعه‌ای طبقه بالا خیلی کم باشه و متوسط و پایین خیلی زیاد باشه، طرف میگه چرا این داره من ندارم خب جامعه خیلی می‌تونه مؤثر باشه...» (مصاحبه شماره ۶)

به اعتقاد دانشجویان، یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر برانگیختگی و تشدید حسادت در افراد جامعه تبعیض اجتماعی است که بین افراد جامعه اعمال می‌شود. این تبعیض گاهی حقیقی و گاهی به صورت احساس تبعیض است. تبعیض قائل شدن در هر سطحی (خرد، میانه و کلان) یکی از مهم‌ترین دلایل تحریک حسادت است.

### حسادت آموخته

به باور بسیاری از مشارکت‌کنندگان، حسادت در خانواده و

«... به خواهر کوچیکم خیلی حسودیمون می‌شد. مثلاً وقتی دعوا می‌شد حق می‌دادن به اون. با چه توجیهی؟ می‌گفتن که دختره. ضعیفه. یا می‌گفتن بزرگ‌تری و رعایت کن؛ اما سعی کردم پرورشش ندم...» (مصاحبه شماره ۵)

گاهی نیز والدین، فرزندان خود را با افراد موفق یا اطرافیان مقایسه می‌کنند. این عمل آن‌ها علاوه بر این‌که موجب تحقیر و سرخوردگی فرزندان می‌شود، معمولاً باعث می‌شود که علایق و استعداد‌های خود را نادیده بگیرند. ناکامی حاصل از این عدم موفقیت سبب می‌شود که افراد اولاً به کسانی که از سوی والدین با آن‌ها مقایسه شده‌اند، حسادت کنند، ثانیاً به کسانی که در زمینه مورد علاقه خودشان موفق هستند حسادت بورزند:

«... خب از راه سرکوب کردن خواسته طرف می‌شه مثلاً بچه می‌خواد کامپیوتر بخونه می‌فرستش پزشکی بخونه بچه حسادت می‌کنه به اونکه کامپیوتر می‌خونه...» (مصاحبه شماره ۲۲)

خانواده نخستین جایی است که فرد تربیت می‌گردد و حسادت نیز برای نخستین بار در خانواده آموخته می‌شود. زمانی که والدین حسادت خود را به دیگران ابراز نمایند، مشاهده حسادت والدین باعث یادگیری حسادت در فرزندان می‌شود. گاهی حتی والدین حسادت و کینه خود را نسبت به دیگران، به فرزندان خود انتقال می‌دهند:

«... من خودم اصلاً خاله هامو دوست ندارم، چون از همون اول مادرم به جوری از بدی اینا گفته بود، مثلاً گفته بود از بس اذیتم کردن، مادرم می‌گفت اونا نسبت به ما حسادت می‌کردن که ما مثلاً این‌جوریم این تو ذهنم مونده این حسادتی که بین خواهرها بوده تو ذهنم مونده...» (مصاحبه شماره ۳)

#### مقایسه اجتماعی

مقایسه اجتماعی یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای محرک حسادت در میان کنشگران اجتماعی است. رد پای این سازوکار را می‌توان در بسیاری از مقولات دیگر این تحقیق

جامعه از طریق مشاهده رفتار والدین و سایرین آموخته می‌شود. حسادت از کودکی در فرد شکل می‌گیرد و به تدریج که بزرگ می‌شود حسادت نیز در او رشد می‌کند. فرد در جوانی و بزرگسالی، در موقعیت‌هایی حسادت می‌ورزد که مشابه به موقعیت‌هایی است که در کودکی حسادت می‌ورزیده است. رفتار تبعیض‌آمیز والدین با فرزندان خود یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری حسادت در فرد است. زمانی که والدین در میزان ابراز توجه بین فرزندان خود تبعیض قائل می‌شوند حسادت در کودک به وجود می‌آید و او نسبت به سایر فرزندان احساس حسادت و کینه می‌کند. حسادت کودکان که یکی از حسادت‌های شایع درون خانواده‌ها است و عموماً در خانواده‌هایی که بیش از یک فرزند دارند، مشاهده می‌شود. علت این امر این است که با تولد کودک جدید و توجه والدین و اطرافیان به او، کودک بزرگ‌تر احساس می‌کند که از حق خود محروم شده و مورد بی‌عدالتی واقع شده است، همین امر سبب شعله‌ور شدن حسادت در وجود او می‌شود. بدین‌سان کودک تازه متولد شده تبدیل به رقیبی برای او می‌شود:

«... مثلاً وقتی بین دوتا بچه فرق می‌ذارن تو آینده فرد ممکنه با دوستش تو همین موقعیت قرار بگیره. این می‌گه که خوب دوسته هم همینو داره تکرار می‌کنه. چون خانواده تو تربیت فرد مهم‌ترین نقش داره، به خاطر همین موقعیت‌های مشابه تو آینده باعث حسادت بیشتر فرد می‌شه. وقتی یکسان برخورد کنن با خواهر و برادرش و خودش فرد از جاش راضی می‌شه...» (مصاحبه شماره ۵)

گاهی والدین ناخواسته به دلیل کلیشه‌های تربیتی رایج بین فرزندان تبعیض قائل می‌شوند و سبب ایجاد حسادت بین آن‌ها می‌گردند که ممکن است این حسادت در سراسر عمر آن‌ها باقی بماند. کلیشه‌هایی نظیر توجه بیشتر نسبت به فرزند پسر، توجه بیشتر به فرزند بزرگ‌تر، حمایت بیشتر از دختر به دلیل ضعیف بودن، حمایت به دلیل کوچک‌تر بودن یک فرزند و با این توجیه که او کوچک است و نمی‌فهمد:

نیروی حسادت خود به‌عنوان انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر در جهت رفع امتیازی که از آن محروم مانده استفاده نماید: «... تلاش می‌کنم از شما برتر و بالاتر و معمولاً به یک گام هم قانع نیستم تلاشم و خیلی بیشتر می‌کنم و چون می‌دونم حسم مثبت‌تر آرامش دارم، اعتماد به نفس دارم، عزت نفس دارم و احترام خودمو احترام طرف مقابلمو دارم و اینا همه باعث موفقیت می‌شه...» (مصاحبه شماره ۲۷)

ویژگی شخصیتی دیگری که دانشجویان به آن اشاره کردند، رؤیاپردازی است. این مفهوم به این معنی است که فرد شخصیتی کمال‌گرا دارد. چنین افرادی معمولاً رؤیاپردازند و سطح توقعات آن‌ها بالاست. این امر سبب می‌شود که وضعیت موجود خود را نپذیرند. شخصیت کمال‌گرا معمولاً وضعیت خود را با وضعیت دیگران مورد مقایسه قرار می‌دهد و این مقایسه نیز به صورت مقایسه صعودی (مقایسه با افراد بالادست) است. شکست در مقایسه صعودی به دلیل این‌که توقع این افراد از زندگی بالاست و این افراد خود را محقق داشتن زندگی بهتر می‌دانند، موجب احساس شکست و در نتیجه به وجود آمدن حسادت نسبت به افراد مورد مقایسه می‌شود:

«... مثلاً من به دوستی داشتم همش رؤیاپردازی می‌کرد. کلاس زبان فرانسه رفته بود می‌گفت می‌خوام برم فرانسه! گفتم پدربزرگت هشتاد و نه‌ساله چجوری می‌خوای بری؟ بین از اون جایی که داره راضی نیست؛ اما یکی می‌خواد پیشرفت کنه. فوق‌داره می‌خواد دکترا بخونه. از جای خودت راضی نباشی تو حرفات معلومه...» (مصاحبه شماره ۵)

دو ویژگی شخصیتی دیگر در افرادی که بیشتر مقایسه اجتماعی انجام می‌دهند نیز مهم است. این دو ویژگی عبارت است از روحیه سیری‌ناپذیری و برتری طلبی که بسیار به هم مرتبطند. روحیه سیری‌ناپذیری به حرص و زیاده‌طلبی انسان اشاره دارد. روحیه سیری‌ناپذیری به گفته دانشجویان سبب تحریک حسادت به خصوص در میان ثروتمندان می‌شود. این

نیز مشاهده کرد. زمانی که فرد وضعیت خود را با وضعیت دیگری مورد مقایسه قرار می‌دهد، اگر در جریان این مقایسه نسبت به دیگری در وضعیت پایین‌تری قرار گیرد، احتمال این‌که به موقعیت دیگری حسادت کند، افزایش می‌یابد. مقایسه به این صورت را مقایسه صعودی گویند:

«... من به کینه دارم که چرا اون داره و من ندارم. چرا من تو شرایط اون نبودم اگه تو شرایط اون بودم اینو داشتم. مثلاً من می‌گم فلانی تو فلان خانواده به دنیا اومد از شما به کینه بدل می‌گیرم من دلم می‌خواد خودمو جای اون بذارم چرا من نیستم و اون هست...» (مصاحبه شماره ۱)

یکی از زمان‌هایی که فرد حسادت را تجربه می‌کند، هنگامی است که فرد توسط دیگران مورد مقایسه واقع می‌شود و در این مقایسه توسط آن‌ها تحقیر می‌گردد. از آن جا که فرد خود را از دید دیگران مورد ارزیابی قرار می‌دهد، در چنین شرایطی که مورد تحقیر دیگران واقع می‌شود، عزت نفسش کاهش یافته و نسبت به فردی که با او قیاس شده و آن را مسبب سرخورده‌گی خود می‌داند، حسادت می‌ورزد:

«... مقایسه افراد با همدیگه، وقتی آدمو با یکی مقایسه می‌کنن که تو از اون کمتری حسادت و کینه درون شخص به وجود می‌ده، دیدن نداشته‌ها اینه که فرد نسبت به بقیه کم داره به نظر من بیشترین عامل که باعث حسادت می‌شه، مقایسه افراد...» (مصاحبه شماره ۱۷)

گاهی حتی افراد وضعیت خود را با افراد دورترین شهرها، کشورها و قاره‌ها مورد مقایسه قرار دهد؛ که این نوع مقایسه به دلیل افزایش ارتباطات و وجود رسانه‌های ارتباط جمعی در عصر حاضر افزایش یافته است.

### خصوصیات شخصیتی

خصوصیات شخصیتی می‌تواند به عنوان شرایط مداخله‌گر در تحریک حسادت باشند. پایین بودن عزت نفس و اعتماد به نفس امکان حسادت فرد را افزایش می‌دهد. حتی می‌تواند از

نفر دیگه ببینه ...» (مصاحبه شماره ۲)

یکی دیگر از زمینه‌های حسادت، زمانی است که فرد مالکیت چیزی را در اختیار دارد یا احساس مالکیت بر چیزی دارد و برای این مالکیت خطر یا تهدیدی احساس می‌کند. این تهدید از طرف رقیبی است که به حیظه مالکیت شخص وارد می‌شود؛ هنگامی که فردی مالکیت چیزی را به صورت انحصاری از آن خود می‌داند، با پیدا شدن شریک، احساس می‌کند که برای مالکیتش رقیبی پیدا شده که می‌خواهد او را محروم سازد:

«... اگه به عروس بیاد تو خونه من ناراحت می‌شم چون من تو خونه تکم همه توجه‌ها به من است هشت‌ساله تنهام برادرم نبوده بازم برادرم می‌تونم قبول کنم می‌گم برادرمه ولی یه دختر دیگه نه که توجه پدر و مادرمو جلب کنه...» (مصاحبه شماره ۸)

### ارزیابی عدالت

یکی از موقعیت‌هایی که حسادت برانگیخته می‌شود زمانی است که فرد احساس کند برتری و امتیازی که دیگری دارد حق اوست و او مورد بی‌عدالتی واقع شده است. البته ارزیابی که فرد از عدالت و محرومیت خود دارد هم می‌تواند بر اساس واقعیت است؛ یعنی فرد واقعاً مورد بی‌عدالتی قرار گرفته است و هم بر اساس تصویری است که فرد از مورد بی‌عدالتی دارد. در چنین شرایطی فرد مقصر محرومیت خود را دیگران و شرایطی که در آن قرار گرفته ارزیابی می‌کند و با رفع مسئولیت خود از محرومیتی که دارد، نسبت به دیگری حسادت می‌کند:

«... مثلاً تو خیابون رد می‌شم یه ماشین می‌بینم که دلم می‌خواد داشته باشم و نمی‌تونم داشته باشم آه می‌کشم دیگه دلم می‌خواد داشته باشم ولی نمی‌تونم برمی‌گردم به قبل که اگه من تو یه شرایط دیگه به دنیا اومده بودم می‌تونستم داشته باشم یه راه گریزیه از توقعی که می‌سازی برای خودت، توقعاتو یک سریشو می‌تونم فراهم کنی و یه

امر نیز به دلیل وجود خصلت برتری طلبانه اشخاص است که دوست دارند از دیگران در مرتبه بالاتری قرار گیرند. کسانی که دارای میزان بالاتری از خصلت برتری‌طلبی هستند، به دلیل این‌که خود را برتر از دیگران ارزیابی می‌کنند، در موقعیت‌هایی که در سطح پایین‌تری نسبت به دیگران قرار می‌گیرند احساس محرومیت بیشتری را تجربه می‌کنند و در نتیجه احتمال برانگیخته شدن حسادت در آن‌ها بیشتر است:

«... پولدارا یه جورایی سیری ناپذیرن یعنی هر چی داشته باشن بازم کمشونه یعنی چشم دیدن موفقیت دیگران رو ندارن دوس دارن همیشه خودشون بالاتر از کسای دیگه باشن...» (مصاحبه شماره ۳۴)

«... دوست نداری کسی موفقیت بیشتری از خودت پیدا بکنه...» (مصاحبه شماره ۱۶)

از نظر دانشجویان، رضایت از زندگی به‌عنوان عاملی مداخله‌گر می‌تواند تأثیرگذار بر میزان برانگیختگی حسادت است. افرادی که رضایت از زندگی بالایی دارند کم‌تر خود را با دیگران مورد مقایسه قرار می‌دهند و حساسیت کم‌تری نسبت به زندگی دیگران دارند.

«... در حال حاضر رضایم کاملاً از زندگی‌ام رضایم و حسادتی هم به کسی ندارم...» (مصاحبه شماره ۲۴)

### مخاطره محرومیت

یکی از انواع حسادت، حسادتی است که به دلیل محرومیت از مزایای اجتماعی، زیستی و روانی در فرد تجربه می‌گردد. منشأ بروز حسادت را می‌توان در حس مالکیت انسان جستجو کرد. زمانی که فرد احساس می‌کند که باید امتیازی را داشته است و از آن امتیاز محروم است، زمانی که خود را با دیگران مقایسه نماید و ببیند دیگران از آن امتیاز برخوردارند، احساس محرومیت کرده و احتمال برانگیخته شدن حسادت در او افزایش می‌یابد:

«... وقتی یه نفری یه چیزی رو بخواد و اونو نداشته باشه و اونو در دست یه نفر دیگه ببینه در اختیار یه

سریاشو نمی‌تونی فراهم کنی، یه سری بهانه است برای شانه خالی کردن از توقعاتی که نمی‌تونی برآورده کنی، یه جور فرار کردن از مسؤلیت هست...» (مصاحبه شماره ۱)

انگیزش اجتماعی حسادت بیانگر این است که حسادت، احساسی اجتماعی است و تحت جریان کنش متقابل اجتماعی برانگیخته می‌شود. برانگیختگی اجتماعی حسادت متأثر از دسته‌ای از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر است.

### انگیزش اجتماعی حسادت

مقوله هسته به دست آمده، «انگیزش اجتماعی حسادت» است.

جدول ۲- مفاهیم اولیه، مقوله‌های عمده و مقوله هسته

مقوله نهایی	مقولات محوری	مفاهیم
	محتوای محرک رسانه	تبلیغات- برجسته‌سازی - زمینه مقایسه- ایجاد رقابت
	حسادت آموخته	یادگیری- الگوهای نادرست تربیتی و تبعیض والدین- رشد حسادت- تحمیل خواسته
	شخصیت	عزت نفس- اعتمادبه‌نفس- رؤیادازی- سیری‌ناپذیری- برتری‌طلبی- رضایت از زندگی
	نابرابری	تبعیض- فاصله طبقاتی
	مخاطره محرومیت	محرومیت- احساس محرومیت- مخاطره برای مالکیت
	ارزیابی عدالت	محق دانستن خود- عدم شایستگی دیگران- مقصر دانستن دیگران و شرایط
مادی‌گرایی	پول‌گرایی- مدگرایی- تجمل‌گرایی	
مقایسه اجتماعی	مقایسه صعودی- مورد مقایسه واقع‌شدن- قرار دادن خود جای دیگری-	

### نتیجه

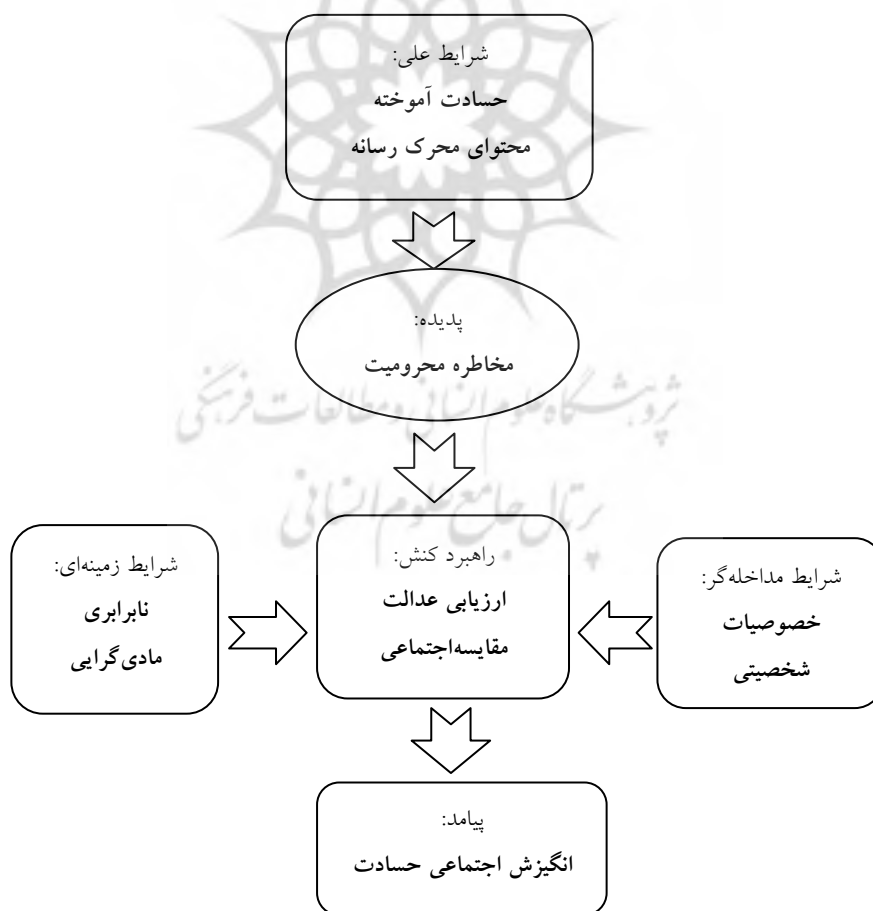
تبعیض در واگذاری امکانات و منابع، تبعیض‌های جنسیتی و قومیتی از جمله عواملی هستند که موجب محرومیت افراد و احساس بی‌عدالتی در آن‌ها و در نتیجه تجربه کردن مخاطره محرومیت در آنان می‌گردد. این نتایج با پژوهش ویلکین و کونلی (2015) که نشان داد عدالت توزیعی با حسادت رابطه دارد، همخوانی دارد. تأثیر این عامل زمانی بیشتر می‌گردد که فاصله بین طبقات مختلف زیاد است و تعداد زیادی از مردم توانایی برطرف کردن نیازهای اولیه خود و را به طور کامل نداشته باشند. نابرابری زمینه ساز مقایسه اجتماعی است. وجود نابرابری اجتماعی و ادراک نابرابری موجب می‌شود که افراد خود را با دیگران مقایسه نمایند. در واقع وجود وضعیت نابرابر بین افراد یا گروه‌ها وجود، مقایسه بین آنان را تشدید می‌نماید. تأثیر این عامل زمانی بیشتر می‌گردد که فاصله بین طبقات مختلف زیاد است و تعداد زیادی از مردم توانایی برطرف کردن نیازهای اولیه خود و را به‌طور کامل نداشته باشند و همان طور که کلیتون (2006) می‌گوید، مقدار زیادی حسادت در نتیجه تحمل نابرابری است که نمی‌توان از طریق

حسادت یکی از فراگیرترین احساسات بشری است که در جامعه ما نیز دیده می‌شود. این احساس که عمدتاً منفی نیز تلقی می‌شود، هم برای زندگی اجتماعی پیامدهای مهمی دارد و هم از تعاملات و واقعیت‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. حسادت به عنوان یک امر به ظاهر فردی هم بر ساختارهای اجتماعی اثر می‌گذارد و هم از این ساختارها تأثیر می‌پذیرد. این پژوهش با هدف بررسی فهم و تفسیر دانشجویان از حسادت و زمینه‌های شکل‌گیری آن انجام شد. بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق، زمینه‌های مختلف اجتماعی در شکل‌گیری حسادت نقش دارند. بر اساس تجارب مشارکت‌کنندگان، نابرابری، یادگیری و احساس محرومیت و نابرابری از مهم‌ترین زمینه‌های برانگیختن حسادت است.

نابرابری یکی از این عوامل اجتماعی است که در سطح کلان زمینه‌ساز برانگیختگی حسادت است. یکی از اشکال نابرابری زمینه ساز حسادت، تبعیض اجتماعی است. تبعیض‌هایی نظیر خویشاوند سالاری، عدم شایسته سالاری،

تبلیغات رسانه‌ها با برجسته‌سازی، زمینه‌ای برای رقابت بین افراد ایجاد می‌کنند و شکست در رقابت برخوردار از محصولات تبلیغی، سبب برانگیختگی حسادت در افراد می‌شود. رسانه‌ها زمینه مقایسه اجتماعی را نیز در سطوح مختلف طبقاتی، جنسیتی، قومیتی و فراملی فراهم می‌آورند. این نتایج با پژوهش کراسنوا و همکاران (2013) که به بررسی حسادت در میان کاربران فیس بوک پرداختند، همخوانی دارد. محتوای رسانه‌ها با برجسته کردن ارزش‌های مادی‌گرایانه به وسیله تبلیغات تجاری و سایر برنامه‌های خود از یک سو سطح توقعات افراد را بالا می‌برند و از سوی دیگر با فراهم کردن زمینه مقایسه اجتماعی در همه زمینه‌ها، نابرابری‌های اجتماعی را نمایان نموده، موجب ایجاد احساس محرومیت و بی‌عدالتی شده و در نتیجه حسادت افراد را تحریک می‌کنند.

تلاش زیاد آن را کاهش داد. همان‌گونه که سالوی و همکارانش بیان کرده‌اند، حسادت بیشتر در زمینه‌هایی احساس می‌شود که مقایسه در آن زمینه برای تعریف از خودمان مهم ارزیابی گردد (Salovey & Rodin, 1991; Salovey & Alexander, 1985)، عوامل مادی از مهم‌ترین زمینه‌ها در حال حاضر است. مادی‌گرایی به معنایی غلبه ارزش‌های مادی و دنیوی بر ارزش‌های اخلاقی، معنوی و انسانی است. از آن‌جا که تفکر مادی‌گرایانه برخوردار از امتیازات مادی (مصرف، رفاه، مدگرایی، ثروت، تفریح و ...) را حق هر فرد می‌داند، محرومیت از این امتیازات در مقایسه با دیگران سبب به وجود آمدن احساس محرومیت فرد نسبت به افراد دارای این امتیازات، احساس بی‌عدالتی و در نتیجه برانگیخته شدن حسادت آنان می‌شود.



نمودار ۱- مدل پارادایمی انگیزش اجتماعی حسادت

حسادت از کودکی در فرد شکل می‌گیرد و به تدریج که او بزرگ می‌شود حسادت نیز در او رشد پیدا می‌کند. هنگامی

از جانب دیگران تهدید می‌شود. افراد در مقابل پدیده مخاطره محرومیت تعامل ارزیابی عدالت و مقایسه اجتماعی صعودی را انجام می‌دهند.

همان‌طور که بسیاری از محققان معتقدند مقایسه اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل در تحریک حسادت است (Salovey & Rodin, 1985; Salovey & Alexander, 1991; Clanton, 2006; Lazarus, 1991 & Smith & Kim, 2007). مقایسه اجتماعی صعودی در زمینه‌های مختلف از نظر مشارکت کنندگان ساز و کار مهمی در برانگیختن حسادت است. همان‌گونه که لیم و یانگ (2015) نشان دادند، مقایسه اجتماعی پیش‌بینی کننده حسادت کارابران سرویس‌های شبکه اجتماعی است. یکی از موقعیت‌های اجتماعی که فرد حسادت را تجربه می‌کند، هنگامی است که فرد توسط دیگران مورد مقایسه قرار می‌گیرد و گاهی تحقیر می‌شود. رقابت با دیگران و شکست در رقابت سبب تحریک حسادت در فرد می‌شود. این یافته‌ها با نتایج تحقیق استینیس و سینگر (2013)، همخوانی داشت که نشان می‌داد برای دانش‌آموزان شکست رقیب شادی بخش‌تر از پیروزی خود آنهاست.

همان‌طور که کلیتون (2006) معتقد است، حسادت در مورد عدالت و بی‌عدالتی است. افراد زمانی که مخاطره محرومیت را تجربه می‌نمایند، خود را در موقعیت شخصی که خود را با آن مقایسه می‌نمایند، قرار داده، چنان‌چه خود را مستحق بهره‌مندی از امتیازاتی که از آنها محروم مانده‌اند، ارزیابی کنند و دیگران و شرایط اجتماعی را مقصر محرومیت خود بدانند، احساس بی‌عدالتی کرده، نسبت به کسانی که از این امتیازات برخوردارند حسادت‌شان برانگیخته می‌شود. در واقع زمانی که افراد مخاطره محرومیت را تجربه می‌کنند، به تفسیر دلایل محرومیت خود می‌پردازند و برای توجیه محرومیت خود دیگران و شرایط ناعادلانه را عامل این محرومیت می‌دانند و در نتیجه احساس بی‌عدالتی کرده، احساس بی‌عدالتی نیز موجب تحریک حسادت آنان می‌گردد.

که فرد به بلوغ می‌رسد در موقعیت‌هایی عموماً حسادت می‌ورزد که مشابه به موقعیت‌هایی است که در کودکی حسادت می‌ورزیده است. شیوه‌های تربیتی نادرستی که والدین به کار می‌برند، نظیر تبعیض‌های سنی و جنسی که میان فرزندان خود اعمال می‌کنند و حتی آموزش مستقیم حسادت به فرزندان بدین صورت که به فرزندان خود القا نمایند که برای موفق بودن باید به دیگران حسادت ورزند، بر اساس نظریه هوشلید، این مورد یک قاعده احساسی در زمینه حسادت در جامعه ماست. طبق این قاعده والدین به فرزندان خود آموزش می‌دهند که زمانی که رقیبان آنها به موفقیت رسیدن روی احساس حسادت خود کار احساسی انجام دهند، تا حسادت آنان انگیزه‌ای برای دستیابی به موفقیت و پیشرفت گردد. بهترین مثالی که در این زمینه می‌توان گفت، این قاعده احساسی است که والدین به فرزندان خود القا می‌کنند که «در زمینه درسی باید حسود باشی». همچنین تماشای حسادت ورزیدن والدین به دیگران، موجب یادگیری حسادت در فرزندان می‌شود.

خصوصیات شخصیتی به عنوان عامل مداخله‌گر بر روی فرآیند برانگیختگی حسادت اجتماعی تأثیر گذار است. داشتن اعتماد به نفس، عزت نفس و رضایت از زندگی موجب می‌گردد که افراد زمانی که مقایسه اجتماعی انجام می‌دهند کمتر احساس بی‌عدالتی نمایند، چرا که با داشتن این خصوصیات افراد زمانی که مقایسه اجتماعی صعودی انجام می‌دهند، اولاً به دلیل رضایت زندگی و عزت نفس همزمان مقایسه نزولی (مقایسه با افراد پایین دست) نیز انجام دهند، ثانیاً بدلیل داشتن اعتماد به نفس بالا سعی نمایند به موقعیت افرادی که در مرتبه بالاتری هستند، دست یابند.

مجموعه این شرایط موجب می‌شود فرد پدیده مخاطره محرومیت را تجربه کند. مخاطره محرومیت به دو صورت در فرد شکل می‌گیرد؛ اول هنگامی است که فرد خواسته‌ها و انتظاراتی دارد که از آنها در مقایسه با دیگران محروم مانده است. دوم زمانی است که فرد برخوردار از امتیازاتی است که



## محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بود. نخست کمبود منابع و مطالعات داخلی مرتبط با موضوع پژوهش است. این امر محقق را با فقدان الگوی پژوهشی مرتبط روبرو ساخت که موجب طولانی‌تر شدن زمان پژوهش شد. دومین محدودیت مربوط به ماهیت پژوهش کیفی است. پژوهش کیفی به دلیل انعطاف‌پذیری، عمق، پیچیدگی و وسعتی که دارند، پژوهشگران را با مشکلات و چالش‌های خاصی روبه‌رو می‌کنند.

## پیشنهادات پژوهش

پیشنهاد می‌شود که به بررسی حسادت در زمینه‌های دیگر همچون سازمان‌ها و ادارات، گروه‌های دوستی، فامیلی و بر روی افرادی با سنین متفاوت بپردازند. همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان داد نابرابری نقش مهمی در ایجاد حسادت در سطح جامعه دارد. حسادت احساسی است که در دوران کودکی در فرد پرورش می‌یابد. مشاهده و انتقال این احساس از طریق والدین نقش مهمی در یادگیری این احساس در کودکان دارد. همچنین الگوهای تربیتی و رفتاری غلط و تبعیض آمیز والدین یکی از عوامل زمینه‌ساز حسادت در افراد از دوران کودکی است. لذا پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی برای والدین به منظور شناساندن این احساس به آنان و آموزش الگوهای تربیتی مناسب به منظور مدیریت حسادت و جلوگیری از پرورش این احساس در کودکان برگزار شود.

## منابع

استراوس، آ. و کربین، ج. (۱۳۸۵). *اصول و روش تحقیق کیفی*، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
بلیکی، ن. (۱۳۹۲). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.  
پارسا، م. (۱۳۸۲). *انگیزش و هیجان*، تهران: انتشارات پیام‌نور.

حریری، ن. (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات.  
ربانی خوراسگانی، ع. و کیانپور، م. (۱۳۸۸). «جامعه‌شناسی احساسات»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، ش ۲، ص ۳۵-۶۴.  
کیانپور، م. (۱۳۹۱). «تجارب مدیریت احساسات در نظام مراقبت‌های پزشکی (مطالعه موردی شهر تورتو)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، ش ۸، ص ۲۵-۵۲.  
گورنیه، ب. و رسو، ا. (۱۳۸۴). *غلبه بر حسادت*، ترجمه: فروزان تجویدی، تهران: جیحون.

موحد، ص؛ باقری، خ. و سلحشوری، ا. (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امام محمد غزالی و نل نادینگز درباره تربیت اخلاقی»، *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ش ۲۷، ص ۳۹-۶۰.  
موسوی خامنه، م؛ رجب‌لو، ع. و علوی، ل. (۱۳۹۰). «رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی در دانشجویان»، *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۳، ش ۱، ص ۸۱-۱۸۰.  
ویلیامز، س. (۱۳۹۲). *آرلی راسل هوقشیلد، در متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، راب استونز(ویراستار)، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.

Attridge, M. (2013) *Jealousy and Relationship Closeness: Exploring the Good (Reactive) and Bad (Suspicious) Sides of Romantic Jealousy*, SAGE Open January-March, p. 1° 16 .  
Barbalet, J. M. (1992) "A Macro Sociology of Emotion: Class Resentment." *Sociological Theory* 10: 150-163.  
Bevan, J. L. (2008) "Experiencing and Communicating Romantic Jealousy: Questioning the Investment Model". *Southern Communication Journal*, 73:42-67.  
Blaikie, N. (2007) *Approaches to Social Inquiry*, Second Edition, London: Polity.  
Bryman, A. (1988) *Quality and Quantity in Social Research*. London: UnwinHumanly.  
Clanton, G. (2006) *Jealousy and Envy*, In: *Handbooks of the Sociology of Emotions*.

- Inflexible Friendship Beliefs, Rumination, and Low Self-Worth in Early Adolescents Friendship Jealousy and Adjustment". *Journal of Abnormal Child Psychology*, 37:873-885.
- Lazarus, R. S. (1991) *Emotion and adaptation*. New York, NY: Oxford University.
- Lim, M. & Yang, Y. (2015) "Effects of Users Envy and Shame on Social Comparison that Occurs on Social Network Services". *Computers in Human Behavior*, 51:300° 311.
- Lim, T. B. (2013) *The Insidious Nature of Envy*. Regent University, n.d. Web. 24.
- Lincoln, Y. and Guba, E. (1985) *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Menon, T. & Thompson, L. (2010) "Envy at Work." *Harvard Business Review*, 88 (4): 74-79.
- Mitsopoulos, M. (July 2009) "Envy, Institutions and Growth". *Bulletin of Economic Research*, 61 (3): 201-222.
- Neuman, L. (2006) *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Research*, Third Edition, Sage Publicatio.
- Parker, J. G. & Low, C. M. & Walker, A. R. & Gamm, B. K. (2005) "Friendship Jealousy in Young Adolescents: Individual Differences and Links to Sex, Self-Esteem, Aggression, and Social Adjustment". *Developmental Psychology*, 41: 235-250.
- Salovey, P. & Judith, R. (1989) "Envy and Jealousy in Close Relationships." Pp. 221-246 in *Review of Personality and Social Psychology: Close Relationships*, edited by C. Hendrick. Newbury Park, CA: Sage.
- Salovey, P. & Rodin, J. (1985) "Some Antecedents and Consequences of Social-Comparison", *Journal of Personality and Social Psychology*, 47:780-792.
- Salovey, P. & Alexander J. R. (1991) "Envy and Jealousy: Self and Society." Pp. 271-286 in *The Psychology of Jealousy and Envy*, edited by P. Salovey. New York: Guilford.
- Scheler, M. (1961) *Ressentiment*. New York: Free Press.
- Schoeck, H. (1969) *Envy: A Theory of Social Behavior* (M. Glenny and B. Ross, Eds.). New York: Harcourt, Brace & World, Inc.
- Seale, C. (1998) *Researching Society and Culture*, London: SagePublications.
- Shott, S. (1979). *Emotion and Social Life: A Symbolic Interactionist Analysis*. American.
- Smith, R. H. & Kim, S.H. (2007) "Comprehending Envy". *Psychological Bulletin*, 133:46-64.
- Smith, R. H. Turner, T. Leach, C. W. Garonzik, R., Urch-Druskat, V. & Weston, C. M. (1996) "Envy and Schadenfreude", *Personality and* by Stets, J. E. & J. H. Turner(Ed.), New York: Springer Science Business Media.
- Corbin, J. & Strauss, A. (1998) *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousands Oaks, CA: Sage Publications.
- Creswel, J.W. (1998) *Research Design: Quantitative, Qualitative and Mixed Methods, Approaches*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Croarty, Michael. (1998) *The Foundations of Social Research: Meaning and Perspective in the Research Process*, London: SagePublicatio.
- Croucher, S. DeMaris, A. Oyer, B. Yartey, F. & Ziberi, L. (2012). "Jealousy in India and the United States: A Cross-Cultural Analysis of Three Dimensions of Jealousy". *In Human Communication. A Publication of the Pacific and Asian Communication Association*, 15 (2): 139° 158.
- Danielle, J. DelPriore, D. J. & Hill, S. E. & Buss, D. M. (2012) "Envy: Functional Specificity and Sex-Differentiated Design Features", *Personality and Individual Differences*, 53: 317° 322.
- Denzin, N. & Y. Linclon. (2005) *The Sage Handbook of Qualitative Research*, Third Edition, Sage Publicatio.
- DeSteno, D. Valdesolo, P. & Bartlett, M. Y. (2006) "Jealousy and the Threatened Self: Getting to the Heart of the Green-Eyed Monster", *Journal of Personality and Social Psychology*, 91(4): 641-626.
- Foster, G. M. (1972) "The Anatomy of Envy: A Study in Symbolic Behavior." *Current Anthropology*, 13: 165-186.
- Glaser, B. and Anselm, S. (1967) *The Discovering of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine.
- Harris, C.R. & Henniger, N.E. (2013) "Envy, Politics, and Age". *Journal of Frontiers in Psychology*, 4:1-5.
- Jasso, G. (2006) *Emotion in Justice Processes*. In: *Handbooks of the Sociology of Emotions*. Edited by Stets, Jan E & Jonathan H Turner. New York. Springer Science Business Media.
- Johnson, J. (1989) *Selecting Ethnographic Informants*. London: Sage Publicatio.
- Krasnova, H. Wenninger, H. Widjaja, T. & Buxmann, P. (2013) "Envy on Facebook: A Hidden Threat to Users Life Satisfaction?". *International Conference on Wirtschaftsinformatik*, 92:1-16.
- Lavallee, K. L. & Parker, J. G. (2009) "The Role of

- & Gallucci, M. (2006) "When People Fall From Grace: Reconsidering the Role of Envy in Schadenfreude". *Emotion*, 6: 156-160.
- Wilkin, C. L. and Connelly, C. E. (2015) "Green with Envy and Nerves of Steel: Moderated Mediation between Distributive Justice and Theft". *Personality and Individual Differences*, 72:160° 164.
- Zizzo, D.J. & Oswald, A. (2001) *Are people willing to pay to reduce others' incomes?*. *Annales d'Economie et de Statistique*, July/December, p 39° 65.
- Social Psychology Bulletin*, 22:158° 168.
- Steinbeis, N. & Singer, T. (2013) The Effects of Social Comparison on Social Emotions and Behavior During Childhood: The Ontogeny of Envy and Schadenfreude Predicts Developmental Changes in Equity-Related Decisions". *Journal of Experimental Child Psychology*, 115(1):198-209.
- Thernstrom, M. (1998) *Halfway heaven: Diary of a Harvard murder*. New York.
- Van, V. Zeelenberg, M. and Pieters, R. (2009) "Levelling up and Down: The Experiences of Incomes? Benign and Malicious Envy". *Emotion*, 9:419-429.
- Van, D. W. Ouwerkerk, J. W. Goslinga, S. Nieweg, M.



